

۱۱ صفر ۱۳۳۲ (۲۳) سپتامبر ۱۹۱۳

یکشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۰۲

# مردان آزاد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داور

این روزنامه بدون کفالتی کمی برای کسی ارسال نمیشود.  
مهران خیابان لاله زار - کوچه اتحادیه  
قیمت تک شماره ۵ شاهی است

امره تلفون ۳۹۶

سالانه ششماه سه ماهه  
داخله ۱۰۰ قران ۵۰ قران ۳۰ قران  
و خارجاً بملاره اجرت پست

## لایحه بیادست اقتصادی

دنیاله شماه ۱۳۳۳

این است لایحه این قانون غیر عملی  
بره در هر حال گفته میشود و پوست بره  
وجود دارد - ولی بهصرف مبالغه مخصوصاً  
چشم سیاه که در اروپا خیلی قدر و قیمت  
دارد - يك قطعه پوست سیاه در اروپا پنج  
گومان می آرد در سورنی که در ایران پیش  
از يك تومان خریدار ندارد  
این قیمت را ممکن است از بازار  
استفسار بفرمائید شما معلوم خواهد شد  
تقریباً سالی دو بیست هزار ( ۲۰.۰۰۰ )  
پوست برای صدور حاضر است لیکن صدور  
آن غیر ممکن است بجهت اینکه آقایان  
گذاران قدغن کرده اند و بگانه لایحه آن  
که مملکت سالی دو کرور تومان از این بابت  
محمل خسارت بینماید  
حال آنکه برای تزیین اجسام و  
اصول نتیجه مطلوبه ممکن بود قانون وضع  
شده که ایداً صادرات مملکت ضرری  
وارد الباول فقط ضرری مملکت و تخریبیات  
و اطلاعات لازم رعایت  
پوست حمده قابل صدور بیشتر در  
برخی از نقاط خراسان و شیراز حاضر میشود  
ممكن است در این نقاط صدور پوست آزاد  
بشود و در نقاط با نهایت قابلیت هر قطعه  
برای تزیین بردهای موجود عامت خود  
ولی قسم است که اقدامات و عملیات دولت  
هر که بطوری که مصلحتی بهمین جهت میشد  
ایران باین روز گرفتار نمی گردید  
اصولاً هر کاری باید بصورت مسکوس  
در مملکت ماموری شود

تصویر میکنیم با جمله مقالهای که  
میدو این جا میزنند شدید متواقد کان کرارم  
بهم لبافت اولیای امیر و مامور بحقیب يك  
سپاست اقتصادی معتقد شده و دیگر بطول  
کلام لازم نمیشد  
اکنون باید ملاحظه کنیم آیا اقرار  
مملکت در این موضوع کاری که درخور  
نوجه و وقت باشد بعمل آورد و یا می آرد  
یا خیر ؟  
اینجا نباید رسل انکاری اساسی کلاه  
طیقات افراد نظر می رسد  
اینك يك مثال :

صاحب امتیاز ساپون سازی در طهران  
امتیاز ساختن ساپون را تحصیل نموده و کار  
خانه خود را در دوازده شهر بنیای نماید  
بدون اینکه قبلاً وقت کلد و در این آنکه  
نوجه نماید که آیا ممکن است به قیمت  
مناسب و ارزانی در محل و خوش شهر این بیه

را تحصیل نمود  
ایداً این شخص به چوجه در  
قیمت و مقدار این ماده اولیه که اساس  
ساپون سازی است وقت آنکه کارخانه  
خود را می آورد و تأسیس مینماید  
از این گذشته يك دسته از نجار  
ایرانی بیکال جدید در سدان امتیاز  
وقت قسمی از ایالات شمالی را تحصیل کنند ولی  
کان لم یورده حساب این مطلب باز کرده باشند  
که چگونه خواهند گرانست در ایران بروکت  
های بزرگ بنا مقاومت کند  
حالی قدرت طلب در این مملکت از  
روی بصیرت و اطلاع کمترین میشود و همین  
جهت برده دولت است که رعایا تجارت يك  
سیاست مدافعی اتخاذ کرده و محض حفظ  
مملکت و افزایش آن جدا تقرب نماید  
کارخانه کیمیا سازی گریز  
و یا نخ ریزی بلاخره  
بسته خواهند شد در صورتیکه دولت با عرض  
حقوقات کمکی کافی از وقت فتح و کیمیا  
خارجی جلوگیری نماید  
و وقتی که حاج مین التجار پوشه ری کار  
خانه ایرتیم ری خود را در رشت پرانی  
بنازد تا در ایران ایرتیم تهیه شده و از  
این بابت وقع احتیاج از خارج میشود باید  
اقدام ایشان طرف کمبند و تحسین عمومی  
واقع شده و بر ذمه هر وطن پرستی است  
که صنایع ایشانرا مساعدت کند  
در این مملکت برای تثبیت شخصی  
سرمایه و فکر با اندازه کافی وجود دارد چیزی  
که قیمت تریب و نظم است  
ایرانی بجز کاری بطور شخصی اقدام  
نمیکند و چون خیلی ادا دوزخ ایداً خود را  
نمی توانند راضی کنند بصیحت و راجع مصلحتی  
دیگری متوسل شود به علم و معلومات هم  
معتقد نیست و بنا بر این برای ایجاد  
صنایع ایداً بطول و تدقیقات علمی خود را  
محتاج نمیدانند  
هر طرف نگاه کنید انواع و اقسام  
ما شنبه نظر شما میرسد که این اشخاص  
سطحی برای مصرفی آورده ولی حالا رنگ  
زده در شرف پوییدان هستند و صاحبان  
آنها نیز میدانند که تجارت شده اند  
البته تفصیل امتیاز حاصل ذغال سنگ را  
پوشیده سیم تقاله شنبه اید  
ولی هیچ نمیدانند که صاحب امتیاز ایداً  
فکر نکرده بود که در مقابل مصرف محدود  
و بسیار قابل طیران حمل مقادیر کمترین  
ذغال سنگ بوسیله سراج سیم تقاله بجهت  
تبعیه سوئی برای او عاجز خواهد شد  
همین قسم کلاه مسائل دیگر هر مساله ای  
را جداگانه تحت مدقه در آورید ملاحظه  
خواهید کرد که ایداً اصول علمی در آن رعایت شده  
و بی اساس است  
اتخاذ سیاست اقتصادی آنها قدرتی  
بجهت دولت و مملکت مفید و لازم است  
برای افراد ما نیز حتمی بوده و نهایت  
اهمیت را دارد

اقای و رئیس الوزراء توجه کنید  
این معارف را خواب کنید  
اقای مدیر يك نامه و نیم قبل آرد که خدمت  
شما رسیده - خرابیهای معارف را برای شما  
مجموع کردم پس از تشریحات دلخراشی  
که برایتان کردم فرمودید مطالب را زود  
کافهت بیاورم و در هر مرد آزاد درج  
فرمائید  
پس از آن مقاله مقدمایی که در ۲۳  
اسد انتشار یافت - با وجود تکررات بی  
حد و حصری که از علاقه مندان به معارف  
قتیدید معذک فرمودید قلمی سپر کن -  
آقای حکیم الدوله تشریحات تکمیل فرمائید  
اصلاحاتی خواهش کرده اند اگر ملاحظه  
کردند آوقت مناسب تر است مقالات خود  
منتشر شود  
در مقابل این منطقی بن خواهم بود اختیار  
اگر چه  
آنکه تریب بیست روز است آقای حکیم  
الدوله وارد تهران شده اند بطور  
کاملی می توانم عرض کنم یا بعد از  
مقنودین و متفکرین لزوم اصلاح معارف در  
ایران خاطر نشان کرده اند - ایشان هم  
بتمام آنها بلا استثناء وعده داده اند چیزی  
که ما مردم تقاضا داریم اجابت کنند  
ولی گو  
این اصلاحات بیست کی باید انجام  
بشود ؟  
بیست آقای حکیم الدوله ؟ شما هم چیز  
ایندی بفرماید ؟  
اگر این است که چه اشکاه بزرگی  
کرده اید ؟  
مگر شما آقای حکیم الدوله را می  
شناسید ؟ من وقتی که هنوز بی اطلاعات  
ایشان تیرده بودم خیال می کردم شاید از  
ایشان کاری ساخته شود - ولی امروز دیگر  
عین تصور می کنم  
وزیر معارف يك نفر آدم نجیب و  
خوب و تریب القلب و ذکاوت فطری است که  
قادر به تمام يك ذره علم در وجودش خلق  
نکرده  
تصبری بر او نیست نه این است  
که هست  
تظنیر با آن خردی است که به این  
قبول مصادر امور نمی سازند  
میدانم چه خواهید گفت - بله بعقیده  
شما باید تمام این جنس وزرا و وزامداران  
را از شخص کرد - نظیر یکی دو نفر ایشان  
چه نتیجه دارد اما جنوب - بله این روز خوش  
بختی برای ایران طلوع نکرده لاقل باید  
بالسبب اشخاص باعزم و خوش فکری بر کار  
آورد تا خرابی از حد طقت نگذرد  
شما نمیدانید بقدان عزم وزیر معارف  
چه بلایی بر همین معارف شکسته و پوسیده  
ما آورده

مقال دیگر  
دولت پیشنهاد کرد و مجلس تصویب  
نمود که پوست بره بخارج صادر نشود  
این قانون بزرگترین دلیل فساد کاری  
دولت است و بخوبی مسلم مبادراشخاصی  
که مدعی اداره امور این مملکت هستند ایداً  
اطلاعی و توسطی از حقایق اوضاع این آب  
و خاک ندارند  
این قانون پس از پنج ششتر بره  
پیشنهاد و تصویب شد بخان دانکه بر عهده  
استقام مملکت بدین واسطه افزوده و از این  
راه بهضال دولت خدمتی شده است مقصود  
البته مصلحتی است برای ایداً آن  
چهل آمده معافانه طفلانه و عوام فریبانه  
است  
دلیل بی اطلاعی مسئولان امور از اجتناب  
معلوم میشود که در وقوع وضع يك چنین  
قانونی - اگر واقعا آمدهای مکتوبه  
بر مصلحت مملکت باشد از قبل مصلحت موجهه  
میتواند  
شما چه جهت به بره کسی اقدام  
می کند ؟ و در کدام قسمت مملکت اید  
پشتل معمول است ؟  
اگر جواب این سؤالات را نتوانیم  
میکردیم بزرگترین گذاران ما بخوبی روشن  
میکند که آن حزب دولتی بمطالب اومندان  
امور مملکتی باید توجه بفرماید اقتصادی واقف  
تر است  
باید دانست که اولاً رعیت بردهای ر  
حوزه را می فروشد و میکند  
تألیف این اقدام در افغانی می شود  
که سؤالی که تمام بزرگ های موجوده بیشتر  
قیمت ثالثاً رعیت در این عمل حساب کرده  
و رفیقان است که متضمن در - کتن پرو  
فروتن پوست آن بیشتر است مخصوصاً در  
شیراز و خراسان و قم از اینراه منافع کلی  
لصحب جمعا میشود و صرفه خود را بیشتر  
این می بیند که بجای شیر دادن بره و  
بزرگ کردن و فروختن آن بصورت کوسندی  
در حالت سوچی شقه و گوشت پوست آن را  
به قیمت اصلا بفروش رسانند  
اگر دولت وقت توجه در این امر  
کرده بود میدانست که قانون منع صدور  
پوست بره گذشته از من نقطه نظر دیگر  
خانا غیر عملی است - زیرا کدام يك از  
قارئین محترم میتوانند بصدق بفرمائید که  
پس از وضع این قانون بره بپلو صرف آورده  
اند ؟  
بیاور بخت ؟  
اگر اینجا در طهران - مرکز مملکت -  
عمل وضع این قانون تریب از این قرار  
میکردن دستور آنروز در قواهی دور دست  
کوهستانی چه خواهد بود



